

شعر «کابل» بر وزن شعر محترم ضیا قاری زاده سروده شده

نمونه شعر:

"مشک تازه می بارد ابر بهمن کابل"

"موج سبزه می کارد کوی و برزن کابل"



کابل

پُر ز نِش انساَن شد سینه در بِرِ کابل
زخمِ لاعلاجِ پوشید پای تا سرِ کابل

ابر و تیره از باروت، آسمان سیه از غم
ظالمان بیدزدیدند شمس و قمرِ کابل

گرگ وحشی غریت در کمین گه غفلت
هر نفس شکاری داشت، وز بوم و برِ کابل

فرش خانه خاکِ دشت، خیمه سقف و دیوارش

معنی پناه گاه شد، در سراسر کابل

طفل مُرده مادر را، شد مکان گورستان

جای شیر مَکد اشکِ دیده تر کابل

مارِ آستین گشتند دوستانِ محبوبش

ریختند و با دستش ، خاک بر سر کابل

توته های توپ و تانک شد وسیله بازی

بهر طفل بی نان و خانه و در کابل

«واهبها» بدان کمروز در جهان بیرونی

خانه یتیمان شد نام دیگر کابل

13-01-2011